



بسم الله الرحمن الرحيم

اعمال محدودیت برای فعالیت‌های شهروندان از سوی حکومت اسلامی

بحث در وظائف و اختیارات حکومت اسلامی نسبت به امور معیشت مردم از قبیل تجارت و تولید قرار دارد. یکی از مباحث مهم و تأثیر گذار در نظام اقتصادی، نظارت استصوابی و دخالت حکومت اسلامی در آزادی شهروندان و اعمال محدودیت برای اقداماتی همچون تجارت، صادرات، واردات و امثال این فعالیت‌ها است که برای همین دخالت‌ها، نهادهایی در حکومت‌ها تشکیل می‌شود. به عنوان مثال اداره گمرک از نهادهایی است که برای نظارت بر امر صادرات و واردات تأسیس می‌شود. البته بحث حاضر در درآمد حاصل شده برای گمرک نیست بلکه بحث در اعمال محدودیت برای صادرات و واردات است که حکومت‌ها شهروندان را ملزم می‌کنند که کالاهای صادراتی یا وارداتی باید دارای مجوز باشد. مثال دیگر این است که اگر سرمایه‌گذاری بخواهد کارخانه‌ای تأسیس کند و یا مغازه‌ای ایجاد کند، بر او لازم است که از نهادهای مربوطه مجوز دریافت کند، کما اینکه کشاورزان باید برای کشت محصولات خود، طبق برنامه ریزی صورت گرفته توسط وزارت جهاد کشاورزی عمل کنند و محصولات خاصی را کشت کنند.

به صورت کلی می‌توان از این مثالها با این عنوان یاد کرد که حکومت اسلامی در امور اقتصادی شهروندان دخالت کرده و برای آنها اعمال محدودیت کند و نسبت به کسانی که اخذ مجوز نکرده باشند، ممنوعیت‌هایی صورت اعمال کرده و اموالی که از نظر شرعی منعی برای تجارت ندارند، را به عنوان معاملات ممنوعه محسوب کرده و چه بسا به عنوان قاچاق محسوب گردند.

بنابراین جواز یا عدم جواز اعمال محدودیت از سوی حکومت اسلامی باید مورد بررسی قرار گیرد.^۱ ضرورت این بحث از این جهت است که بر اساس مطالب پیشین، اصل بر این است که شهروندان در امور مربوط به خود دارای آزادی هستند و تا زمانی که ضرورت مانند به حرج افتادن، تحقق ضررهای هنگفت، اختلال نظام معیشت سایر شهروندان یا سلطه کفار رخ ندهد، بر آنها جایز است که هر اقدامی را انجام دهند. خطوط قرمز در نظام اقتصادی این است که مردم به حرج یا ضرر بیفتند یا اینکه اختلال نظام در معیشت رخ دهد. اما اگر در فعالیت شهروندان این خطوط قرمز وجود نداشته نباشد، اصل اولی این است که شهروندان محدود نیستند. البته اگر دلیل اقامه شود که حکومت اسلامی حق اعمال محدودیت بر شهروندان دارد، این اصل نسبت به حکومت اسلامی تخصیص خواهد خورد؛ کما اینکه در بحث‌های پیشین مطرح شد که شهروندان نسبت به احتکار آزاد نیستند و بر اساس ادله‌ای که در این زمینه وجود دارد، احتکار جایز نیست و حکومت اسلامی می‌تواند محتکرین را مجبور به عرضه کالاهای خود در بازار کند. بنابراین باید به بحث و بررسی پرداخته شود تا مشخص گردد که آزادی شهروندان در فعالیت‌ها، نسبت به حکومت نیز ثابت است و یا اینکه حکومت اسلامی حق اعمال محدودیت دارد و شهروندان بدون اجازه از حکومت اسلامی، نباید هیچ اقدامی از قبیل تجارت و ... انجام دهند.

اقوال

برخی از بزرگان معتقدند که حکومت اسلامی نمی‌تواند در امور اقتصادی شهروندان دخالت کند و این امر، از وظائف و اختیارات حکومت اسلامی نیست الا اینکه خطوط قرمز مانند حرج، ضرر یا اختلال نظام رخ دهد. اما در مقابل، برخی دیگر از بزرگان، دخالت در امور شهروندان و اعمال محدودیت برای آنها را برای حکومت اسلامی جایز می‌دانند.

۱. البته لازم به ذکر است که بحث از جواز اعمال محدودیت در مواردی است که حکومت بر شهروندان خود در ضمن معامله شرط نکرده باشد؛ لذا اگر به عنوان مثال حکومت ارز پرداخت کرده و ضمن معامله ارز، برای کالاها تعیین قیمت کند و برای فعالیت شهروندان محدودیت قرار دهد، با مشکلی مواجه نیست. بنابراین بحث در حکم اولی و بدون شرط است.



جلسه: ۳۷
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

درس: نظام اقتصادی اسلام

موضوع: اعمال محدودیت بر فعالیت‌های شهروندان توسط حکومت اسلامی

استاد: علی عندلیبی دام‌الله

کلام مرحوم آقای منتظری

یکی از قانونین به نظریه ممنوعیت اعمال محدودیت توسط حکومت اسلامی، مرحوم آقای منتظری است. ایشان در کتاب ولایت فقیه خود بحث مفصلی مطرح کرده اند که اصل آزادی شهروندان ثابت است و حکومت اسلامی نمی تواند برای شهروندان محدودیت اعمال کند الا اینکه در حد خطوط قرمز مانند اختلال نظام، حرج و سلطه کفار بر مسلمین باشد. در کلام مرحوم آقای منتظری آمده است:

و بالجملة، يجب أن يكون البناء في هذه الأمور والأحوال الشخصية على الإطلاق والحريّة إلا في موارد الضرورة، لا على المنع والتحديد إلا بإذن الحكومة. نعم، يتوقع من الحكومة بل ربما يتعين عليها بالنسبة إلى هذه الأمور التخطيط الكلي والتعليم والإرشاد والهداية إلى أنواعها وطرق تحصيلها وبيان أنفعها والأصلح منها، والإعانة وإيجاد الإمكانيات لها لدى الاحتياج، والمنع عما حرّمه الله - تعالى - من الربا والاحتكار والتطفيف والغش والخيانة ونحو ذلك. وأما الإجبار على بعض الأنواع وسلب الحريّات فمخالف لطبع الأمة ولمذاق الشرع إلا مع الضرورة.^۱

بر اساس این عبارت، شهروندان در امور و احوال شخصی خود از قبیل صادرات، واردات، امور تولیدی، ساخت و ساز و ... آزاد هستند و نباید ممنوعیتی برای آنها ایجاد شود و نیازی به اجازه حکومت هم نیست. در نتیجه حکومت اسلامی در این زمینه ها اختیاری ندارد و نهایتاً می تواند شهروندان را راهنمایی و توصیه کند تا اقداماتی که به صلاح آنها است، را انجام دهند. البته در موارد تحقق ضرورت مانند اختلال نظام معیشت شهروندان، تحقق ضرر، حرج یا هرج و مرج ایجاد محدودیت و ممنوعیت برای حکومت اسلامی جایز است.

مخالفت اعمال محدودیت با مذاق شارع

طبق نظر مرحوم آقای منتظری، شهروندان در نظام اقتصادی اسلام آزاد هستند و در غیر موارد ضرورت، انجام هر اقدامی که بخواهند برای آنها جایز است. ایشان در استدلال به این مطلب، به مذاق شارع اشاره کرده اند که ایجاد محدودیت برای شهروندان مخالف مذاق شارع است.

به نظر ما مخالفت اعمال محدودیت با مذاق شارع ادعای صرف است؛ چون باید در آیات، روایات و حالات حکومت ها تبعی صورت گیرد تا مذاق شارع به دست آید. در حالی که اساساً مدت زمانی که حکومت اسلامی وجود داشته، بسیار محدود بوده است؛ چون حکومت اسلامی صرفاً در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام وجود داشته است که در زمان همه آنها نیز زمان حکومت اندک بوده است و در همین زمان اندک نیز درگیر جنگ های داخلی و خارجی بوده و فرصت نداشته اند که به نظم بخشیدن امور اقتصادی بپردازند. سائر معصومین علیهم السلام هم که به صورت کلی دارای حکومت نبوده اند و لذا با توجه به محدودیت تحقق حکومت اسلامی، نمی توان مذاق شارع را به دست آورد. از طرف دیگر در آیات و روایات نیز تا حدی که تتبع صورت گرفته، دلیلی به دست نیامده است که مذاق شارع بر عدم جواز اعمال محدودیت باشد. روایاتی همچون «الناس مسطرون علی أموالهم» نیز منافات با اعمال محدودیت ندارد؛ چون همان طور که شارع به ولیّ امر اختیاراتی داده است، ممکن است در باب اعمال محدودیت نیز اختیاراتی به حکومت داده باشد. بنابراین ادعای مذاق شارع قابل اثبات نیست و اثبات آن بر عهده مدعی آن است. البته مذاق شارع بر این است که شهروندان در رفاه

۱. دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة ۲: ۲۷.



و آسایش باشند و در برخی روایات از این مطلب با عنوان «عائشین بخیر» یاد شده است. اما این مطلب این گونه نیست که به صورت کلی منفی با اعمال محدودیت از سوی حکومت باشد. بنابراین ادعای اول مرحوم آقای منتظری استناد به مذاق شارع است که اختیاری برای حکومت قائل نیستند و در نظر ایشان اساساً برای حکومت جایز نیست که برای مردم اعمال محدودیت کند.

اشتمال اعمال محدودیت بر برخی از مفاسد

مستند دوم مرحوم آقای منتظری برای عدم جواز اعمال محدودیت برای شهروندان، تحلیل ایشان است که بر اساس آن، با قطع نظر از مخالفت با مذاق شارع، اساساً اعمال محدودیت برای شهروندان مفاسدی به دنبال داشته و به ضرر اقتصاد شهروندان است. ایشان در این زمینه فرموده اند:

هذا و لکنک تشاهد أنّ أكثر الحكومات الدارجة في أعصارنا ربّما يتدخلون في هذه الأمور ويحدّدون الاختبارات و الحرّيات التي جعلها الله - تعالى - في طباع البشر و يوجب تدخلهم ذلك: أولاً: كراهة الأُمَّة و بغضاءها في قبال الحكومة و ثانياً: كثرة العصيان و الهتك لها و ثالثاً: احتياج الحكومة إلى استخدام موظّفين كثيرين للتدخل و التحديد و المراقبة و رابعاً: إلى وضع ضرائب كثيرة فوق طاقة الأشخاص لمصارف الموظّفين و أجهزتهم. فلا تنتج هذه التدخلات إلّا البغضاء و التنافر و الخصام المتتابع بين الحكومة و بين الأُمَّة بلا ضرورة. هذا مضافاً إلى أنّ سلب الحرية في الأمور الإنتاجية و الصناعية و التحديد فيها كما أشرنا إليه يوجب قلّة الإنتاج جدّاً، فإنّ العلاقة النفسية و الحرية الطبيعية أقوى باعث يحفز الإنسان إلى الصناعة و الإنتاج و تحمّل المشاقّ في سبيلهما. و من الأسف أنّ أكثر هذه التحديدات و التدخلات إنّما تقع في بعض البلاد الإسلامية و الحكومات الدارجة فيها. و ربّما تقع بإلقاء شياطين الاستعمار و إيحاءهم إلى عملائهم، أو بتقليد بعض البسطاء من الحكّام لبعض آخر. مع أنّك ترى أنّ رؤوس الكفر و الاستعمار قد أطلقوا أممهم و تابعوا أهواءهم، فهل لا يكون هذا إلّا نحو مكر مكره لعدم راحة الأُمَّة الإسلامية و عدم استقرار نظامهم و عدم ثبات دويلاتهم؟! فاعتبروا يا أولي الأبصار! هذا. و أسوأ من هذه التدخلات و التحديدات مباشرة الدولة بنفسها للزراعة و التجارة و الصناعات.^۱

بر اساس این عبارت، ایشان مدعی شده اند که طبع بشر بر آزادی است ولی حکومت‌ها مخالف طبع بشر عمل کرده و برای شهروندان خود محدودیت ایجاد می‌کنند.

به نظر ما ادعای مخالفت با طبع بشر اول الکلام است؛ چون هر آزادی که موافق طبع بشر باشد، به این معنا نیست که مشروع باشد. در ادامه نیز مرحوم آقای منتظری برای دخالت کردن حکومت اسلامی توالی فاسدی ذکر کرده اند که عبارتند از:

۱- اعمال محدودیت و دخالت در امور معاش شهروندان، موجب نارضایتی مردم در قبال حکومت می‌شود و دشمنی ایجاد می‌کند. در حالی که بقاء هر حکومتی به پشتوانه مردم و شهروندان آن می‌باشد.

۱. دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية، ج ۲، ص: ۲۷



- ۲- با ایجاد محدودیت‌های بسیار، اکثر شهروندان اهل تخلف و معصیت خواهند شد و به جهت این عصیان‌ها در قبال حکومت اسلامی که اطاعت از او واجب است^۱، اکثر شهروندان فاسق خواهند شد؛ چون جزئیات بسیار قانونی و محدودیت‌های بسیاری که اعمال شده، شهروندان را وادار می‌کند که برای پیشبرد اهداف خود تخلف از قانون داشته باشند.^۲
- ۳- ایجاد محدودیت‌ها موجب افزایش هزینه‌های حکومت می‌شود؛ چون حکومت مجبور خواهد شد که برای هر بخش از امور، نهادهایی تشکیل داده و در آن نهادها کارمندانی را استخدام کند و به آنها حقوق پرداخت کند تا نسبت به اقدامات شهروندان مراقبت داشته و نظارت کنند و به مسائل متخلفین رسیدگی کنند.
- ۴- با افزایش نهادها و مأمورین آن که موجب افزایش هزینه‌های حکومت می‌شود، حکومت برای تأمین این هزینه‌ها مجبور خواهد شد که ضرائبی را برای مردم تعیین کند که افزایش این هزینه‌ها موجب نارضایتی بیشتر شهروندان می‌شود و دشمنی بین حکومت و مردم بدون هیچ ضرورتی ایجاد می‌شود.

نتیجه این چهار مطلب این است که بین حکومت و شهروندان دشمنی ایجاد می‌شود و پشتوانه حکومت از بین می‌رود، در حالی که هیچ حکومتی نمی‌تواند بدون پشتوانه شهروندان به حیات خویش ادامه دهد.

علاوه بر چهار مطلب ذکر شده، در کلام مرحوم آقای منتظری مطرح شده است که اعمال محدودیت بر شهروندان، نتیجه برعکس می‌دهد؛ چون زمانی که محدودیت شدید باشد، صاحبان کسب و کار و کارخانه‌های تولیدی دچار خستگی خواهند شد و اساساً تولید، صادرات یا واردات را رها می‌کنند؛ چون آزادی موجب ایجاد انگیزه می‌شود، اما سخت‌گیری انگیزه صاحبان کسب و کار را از بین می‌برد، در حالی که مذاق شریعت این است که مردم در رفاه باشند و رشد اقتصادی داشته باشند.

ایشان در بخش دیگر از عبارت خود به این مطلب اشاره کرده‌اند که متأسفانه کشورهای اسلامی مبتلا به اعمال محدودیت بر شهروندان شده‌اند، در حالی که بسیاری از کشورهای غیرمسلمان شهروندان خود را آزاد گذاشته‌اند.

اكتفا کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قدر ضرورت

و لندکر مثالین من تحدید النبئی «ص» و تدخله بما أنه کان والیا و حاکما فی هذا السنخ من الأمور مقتصرا علی قدر الضرورة:

الأول: ما رواه فی الوسائل بسنده، عن علی بن ابی طالب «ع» أنه رفع الحدیث إلی رسول الله «ص» أنه «ص» مرّ بالمحتکرین، فأمر بحکرتهم أن تخرج إلی بطون الأسواق و حیث تنظر الأبصار إلیها. فقیل لرسول الله «ص»: لو قومت علیهم، فغضب رسول الله «ص» حتّی عرف الغضب فی وجهه، فقال: أنا أقوم علیهم؟! إنما السعر إلی الله؛ یرفعه إذا

۱. این مطلب باید مورد توجه قرار گیرد؛ چون اگر هر قانونی از طریق حکم ولی امر ثابت شده باشد، تخلف از آن جایز نخواهد بود، حتی اگر از قبیل لزوم توقف در زمان قرمز بودن چراغ راهنمایی در نیمه شب و هنگام خلوت بودن خیابان‌ها باشد. در صورتی که قانون این چنین باشد که رد شدن از چراغ قرمز در نیمه شب نیز ممنوع است، تخلف از این قانون حرام شرعی خواهد بود.
۲. از جمله محدودیت‌هایی که معمولاً شهروندان از آنها تخلف می‌کنند، قوانین و ضوابط مربوط به ساخت و ساز و همچنین پرداخت مالیات است که ایجاد محدودیت‌ها شهروندان را وادار به تخلف می‌کند.



جلسه: ۳۷
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

درس: نظام اقتصادی اسلام

موضوع: اعمال محدودیت بر فعالیت‌های شهروندان توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام‌الله

شاء و یخفصه إذا شاء.». و فی روایة حدیفة، عن أبی عبد الله «ع»، قال: «نقد الطعام علی عهد رسول الله «ص»، فاتاه المسلمون فقالوا: یا رسول الله، قد نقد الطعام و لم یبق منه شیء إلا عند فلان فمره بیعه. قال: فحمد الله و أثنی علیه ثم قال: یا فلان، إنَّ المسلمین ذکروا أنَّ الطعام قد نقد إلا شیء عندک فأخرجه و بعه کیف شئت و لا تحبسه.». فانظر آتیه «ص» بمقتضى الضرورة ألزم البیع فی مورد الاحتکار و لکنه لم یسعر، إذ لم تكن فی ضرورة فی ذلك العصر، فأحال ذلك إلى ما تقتضیه طبیعة العرض و الطلب. و یأتی منّا البحث فی مسألة الاحتکار و التسعیر فی فصل مستقل، فانتظر.

الثانی: ما رواه المشایخ الثلاثة بسند معتبر، عن زرارة، عن أبی جعفر «ع» قال: «إنَّ سمرة بن جندب كان له عذق فی حائط لرجل من الأنصار، و كان منزل الأنصاری بباب البستان فكان یمرّ به إلى نخلته و لا یستأذن. فکلمه الأنصاری أن یستأذن إذا جاء، فأبى سمرة، فلما تأبى جاء الأنصاری إلى رسول الله «ص» فشکا إلیه و خبره الخبر، فأرسل إلیه رسول الله «ص» و خیره بقول الأنصاری و ما شکا و قال: إذا أردت الدخول فاستأذن، فأبى، فلما أبى ساومه حتّى بلغ به من الثمن ما شاء الله، فأبى أن یبیع، فقال: لك بها عذق یمدّ لك (مدلّل - یب) فی الجنة، فأبى أن یقبل. فقال رسول الله «ص» للأنصاری: اذهب فقلعها وارم بها إلیه، فإنّه لا ضرر و لا ضرار.». و فی روایة أخرى لزرارة عنه «ع» نحوه، و فیهِ: «فقال له رسول الله «ص» خلّ عنه و لك مكانه عذق فی مكان کذا و کذا. فقال: لا. قال: فلك اثنان. قال: لا أرید. فلم یزل یزیده حتّى بلغ عشرة أعداق. فقال: لا. قال: فلك عشرة أعداق فی مكان کذا و کذا. فأبى. فقال: خلّ عنه و لك مكانه عذق فی الجنة. قال: لا أرید. فقال له رسول الله «ص»: إنَّك رجل مضارّ، و لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن. الحدیث.». و الظاهر أنّ المراد بالضرر هو النقص فی المال أو فی النفس، و الضرر أعمّ منه، فیشمل مطلق التضييق. أو أنّ الضرر فعل الواحد، و الضرر فعل الاثنین كما فی النهایة. و قیل غیر ذلك. و العذق كفلس: النخلة و بالكسر: العرجون بما فیهِ من الشماریخ. و کیف كان فهو «ص» لم یأمر بقلع الشجرة فی بادئ الأمر، بل أمر بالاستیذان، ثمّ ساومه حتّى بلغ به من الثمن عشرة أعداق، فلما أبى ذلك و أبى العذق فی الجنة أيضا و رأى منه اللجاجة اضطرّ إلى الحكم بقلع الشجرة لقلع جذر الفساد و قطع رجاء المفسد. فإن قلت: لم لم یحكم هو «ص» بالبیع جبرا و قهرا علیه فإن الحاكم ولیّ الممتنع؟ قلت: یظهر من معاملة سمرة مع رسول الله «ص» و الأنصاری أنه لم یكن یتعبد بالبیع و رفع المزاحمة عن الأنصاری و إن حکم به النبی «ص» و دفع إلیه الثمن، فتدبّر. هذا. و فی مسند أحمد بن حنبل روى بسنده عن عبادة بن الصامت، عن رسول الله «ص» حدیثا طویلا یشتمل علی قضایا كثيرة و فیهِ: «و قضی أن لا ضرر و لا ضرار.». و هل یراد بقوله: «لا ضرر» نفي الضرر ادعاء، یعنی نفي الحكم الضرری، أو یكون نهیا إلهیّا نظیر سائر النواهی الشرعیة، أو یكون نهیا ولایا من قبل النبیّ الأکرم «ص» كما ربّما یشهد بذلك التعبير بالقضاء منه «ص»، فیکون نظیر سائر النواهی الصادرة فی مقام إعمال الولاية؟ و وجهه. و للبحث فیهِ محل آخر. و کیف كان فالأحكام الولایة الصادرة عن اضطرار إنّما تتقدّر بقدر الاضطرار و الضرورة.^۱

مرحوم آقای منتظری در بخش پایانی کلام خود نیز به دو مثال اشاره کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که والی و حاکم بوده اند، در محدودیت‌ها به حدّ اقل قناعت می‌کرده است:

۱. دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة ۲: ۲۸ - ۳۰.



- ۱- مثال اول مربوط به احتکار است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای کالاهای محکومین تعیین قیمت نکرده است؛ یعنی در ضرورت هم که احتکار است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دخالت نداشته و صرفاً الزام به فروش کرده اند.
- ۲- مثال دوم در مورد قضیه سمره بن جندب است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا به او بیان کرده اند که برای وارد شدن در منزل آن مرد انصاری اجازه بگیرد. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مرحله بعدی با سمره معامله کرد که در ازای یک درخت، ده درخت در بهشت به او بدهد. اما وقتی سمره همه اینها را رد کرده و لجاجت خود را به حد اعلی می‌رساند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر به کندن درخت او می‌کنند.